



5676

کتاب  
نومبر  
۱۷۲  
نومبر

## حقوق بین المللی کیفری

تفریق کیفری عمومی بین المللی  
حقوق کیفری اختصاصی بین المللی  
آیین اداری کیفری بین المللی

جعفر یزدیان جعفری

(استادیار دانشگاه کاشان)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۸

یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۵۵-

حقوق بین‌المللی کیفری: حقوق کیفری عمومی بین‌المللی، حقوق کیفری اختصاصی بین‌المللی، آیین دادرسی کیفری بین‌المللی / جعفر یزدیان جعفری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

هشت، ۱۵۸ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۰۹: حقوق: ۵۰)

پها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. ص. [۱۵۱] - ۱۵۶: همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. جرایم بین‌المللی. ۲. International crimes. ۳. آیین دادرسی جزایی (حقوق بین‌الملل). ۴. (International law)

Criminal procedure. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۳۴۵/۰۲۳۵

K۵۰۰۰

۵۷۴۷۰۵۳

شماره کتابشناسی ملی



حقوق بین‌المللی کیفری (حقوق کیفری عمومی بین‌المللی، حقوق کیفری اختصاصی بین‌المللی، آیین دادرسی کیفری بین‌المللی)

مؤلف: دکتر جعفر یزدیان جعفری (استادیار دانشگاه کاشان)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۰۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نامبر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره» بیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع اصلی درس حقوق جزای بین الملل برای دانشجویان رشته های حقوق جزا و جرم شناسی در مقطع تحصیلات تکمیلی فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه مندان به این زمینه تحقیقی نیز می توانند از آن بهره مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، دکتر جعفر یزدیان جعفری و نیز از ارزیابان محترم اثر، آقایان دکتر ابوالفتح خالقی و دکتر حسین میرمحمد صادقی سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

|    |                                          |
|----|------------------------------------------|
| ۱  | پیشگفتار .....                           |
| ۳  | مقدمه .....                              |
| ۳  | الف) تعریف حقوق بین‌المللی کیفری .....   |
| ۷  | ب) منابع حقوق بین‌المللی کیفری .....     |
| ۸  | ج) ویژگی‌های حقوق بین‌المللی کیفری ..... |
| ۱۱ | د) تاریخچه حقوق بین‌المللی کیفری .....   |

### فصل اول: حقوق کیفری عمومی بین‌المللی

|    |                                                               |
|----|---------------------------------------------------------------|
| ۱۵ | مبحث اول: ارکان جنایات بین‌المللی .....                       |
| ۱۵ | گفتار اول: رکن قانونی .....                                   |
| ۱۵ | الف) اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اساسنامه .....           |
| ۱۶ | ۱. قانونی بودن جرم .....                                      |
| ۲۰ | ۲. قانونی بودن مجازات .....                                   |
| ۲۱ | ب) آثار اصل قانونی بودن جرم در اساسنامه .....                 |
| ۲۳ | ج) عوامل مؤثر بر زوال عنصر قانونی در جنایات بین‌المللی .....  |
| ۲۷ | گفتار دوم: رکن مادی جنایات بین‌المللی .....                   |
| ۲۷ | الف) انواع جنایات بین‌المللی .....                            |
| ۲۹ | ب) راه‌های مداخله در عنصر مادی جنایات بین‌المللی .....        |
| ۳۵ | گفتار سوم: رکن معنوی جنایات بین‌المللی .....                  |
| ۳۶ | مبحث دوم: مسئولیت کیفری بین‌المللی .....                      |
| ۳۶ | گفتار اول: عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی .....                |
| ۳۷ | گفتار دوم: موانع مسئولیت کیفری در اساسنامه دیوان .....        |
| ۳۸ | الف) موانع مصرح در ماده ۳۱ (اختلال روانی، مستی و اجبار) ..... |
| ۴۰ | ب) سایر موانع ماده ۳۱ .....                                   |

|    |                                                   |
|----|---------------------------------------------------|
| ۴۱ | ..... (ج) کودکی                                   |
| ۴۲ | ..... (د) اشتباه                                  |
| ۴۳ | ..... مبحث سوم: مجازات جنایات بین‌المللی          |
| ۴۳ | ..... گفتار اول: اهداف و انواع مجازات در اساسنامه |
| ۴۷ | ..... گفتار دوم: تعیین مجازات                     |
| ۴۷ | ..... الف) متناسب بودن مجازات در اساسنامه         |
| ۴۸ | ..... ب) تعدد جرم در اساسنامه                     |
| ۴۹ | ..... ج) تخفیف مجازات پس از صدور حکم:             |
| ۵۰ | ..... گفتار سوم: سقوط مجازات                      |
| ۵۱ | ..... الف) مرور زمان                              |
| ۵۱ | ..... ب) مصونیت‌ها                                |
| ۵۱ | ..... ج) عفو عمومی                                |
| ۵۲ | ..... (د) گذشت سزاکی                              |

### فصل دوم: حقوق کیفری اختصاصی بین‌المللی (ارکان اختصاصی جنایات بین‌المللی)

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۵۵ | ..... مبحث اول: نسل‌زدایی        |
| ۵۵ | ..... گفتار اول: رکن قانونی      |
| ۵۵ | ..... گفتار دوم: رکن مادی        |
| ۵۵ | ..... الف) افعال مرتکب           |
| ۵۷ | ..... ب) شرط جرم                 |
| ۵۸ | ..... ج) نتیجه جرم               |
| ۵۹ | ..... گفتار سوم: رکن معنوی       |
| ۶۰ | ..... مبحث دوم: جنایت علیه بشریت |
| ۶۰ | ..... گفتار اول: رکن قانونی      |
| ۶۲ | ..... گفتار دوم: رکن مادی        |
| ۶۲ | ..... الف) افعال مرتکب           |
| ۶۵ | ..... ب) شرایط جرم               |
| ۶۶ | ..... ج) نتیجه                   |
| ۶۶ | ..... گفتار سوم: رکن معنوی       |
| ۶۷ | ..... مبحث سوم: جنایات جنگی      |
| ۶۷ | ..... گفتار اول: رکن قانونی      |
| ۷۲ | ..... گفتار دوم: رکن مادی        |
| ۷۳ | ..... الف) افعال مرتکب           |
| ۸۰ | ..... ب) شرط جرم                 |
| ۸۲ | ..... ج) نتیجه جرم               |

|     |                                               |
|-----|-----------------------------------------------|
| ۸۲  | گفتار سوم: رکن معنوی                          |
| ۸۳  | مبحث چهارم: جنایت تجاوز (جنایت علیه صلح)      |
| ۸۳  | گفتار اول: رکن قانونی                         |
| ۸۵  | گفتار دوم: رکن مادی                           |
| ۸۵  | الف) افعال مرتکب                              |
| ۸۷  | ب) شرایط جرم                                  |
| ۸۷  | ج) نتیجه جرم                                  |
| ۸۸  | گفتار سوم: عنصر معنوی                         |
| ۸۸  | مبحث پنجم: جنایات بین‌المللی در حقوق اسلامی   |
| ۸۸  | گفتار اول: نسل‌زدایی در اسلام                 |
| ۹۱  | گفتار دوم: جنایات علیه بشریت                  |
| ۹۱  | ۱. به‌بردگی گرفتن                             |
| ۹۲  | ۲. مجازات بدنی (به‌عنوان شکنجه)               |
| ۹۶  | ۳. آزار به جهات مذهبی یا جنسیتی               |
| ۹۸  | گفتار سوم: جنایات جنگی                        |
| ۹۹  | الف) حمایت از افراد و اهداف غیرنظامی در اسلام |
| ۱۰۰ | ب) حمایت از افراد و اهداف نظامی در اسلام      |
| ۱۰۱ | گفتار چهارم: جنایت تجاوز                      |

## فصل سوم: آیین دادرسی کیفری بین‌المللی

|     |                                                    |
|-----|----------------------------------------------------|
| ۱۰۵ | مبحث اول: ساختار و تشکیلات دیوان                   |
| ۱۰۶ | گفتار اول: ارکان غیرقضائی                          |
| ۱۰۶ | الف) مجمع دولت‌های عضو                             |
| ۱۰۸ | ب) هیئت رئیسه                                      |
| ۱۰۹ | ج) دبیرخانه                                        |
| ۱۱۰ | گفتار دوم: ارکان قضائی                             |
| ۱۱۰ | الف) بخش‌های قضائی: (بخش تجدیدنظر، بدوی و مقدماتی) |
| ۱۱۲ | ب) دادسرای دیوان                                   |
| ۱۱۲ | مبحث دوم: مراحل رسیدگی در دیوان                    |
| ۱۱۳ | گفتار اول: مراحل تعقیب و تحقیق                     |
| ۱۱۱ | الف) ارجاع موضوع به دادستان (قابلیت پذیرش)         |
| ۱۱۹ | ب) اخذ مجوز تحقیق از شعبه مقدماتی                  |
| ۱۲۱ | ج) انجام تحقیق از سوی دادستان و احراز اتهام        |
| ۱۲۳ | د) تأیید اتهام از سوی شعبه مقدماتی                 |
| ۱۲۵ | گفتار دوم: مراحل رسیدگی و اجرای حکم                |

|     |                                                                       |
|-----|-----------------------------------------------------------------------|
| ۱۲۵ | الف) رسیدگی از سوی شعبه بدوی.....                                     |
| ۱۲۹ | ب) تجدیدنظر از احکام.....                                             |
| ۱۳۳ | مبحث سوم: همکاری‌های بین‌المللی با دیوان.....                         |
| ۱۳۴ | گفتار اول: مدل همکاری با دیوان.....                                   |
| ۱۳۶ | گفتار دوم: انواع همکاری با دیوان.....                                 |
| ۱۳۶ | الف) همکاری در بازداشت.....                                           |
| ۱۳۸ | ب) سایر همکاری‌ها.....                                                |
| ۱۴۰ | تکمله: رابطه حقوق داخلی ایران با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی..... |
| ۱۴۲ | الف) تعارض‌ها در حوزه حقوق کیفری عمومی.....                           |
| ۱۴۵ | ب) تعارض‌ها در حوزه حقوق کیفری اختصاصی.....                           |
| ۱۴۶ | ۱. پیش‌بینی نشدن برخی عناوین در قانون داخلی.....                      |
| ۱۴۶ | ۲. پیش‌بینی برخی جنایات در قانون داخلی به‌عنوان عمل مجاز.....         |
| ۱۴۷ | ج) تعارض‌ها در حوزه آیین دادرسی کیفری.....                            |
| ۱۴۹ | د) نتیجه.....                                                         |

### فهرست منابع

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۱۵۱ | الف) منابع فارسی.....   |
| ۱۵۱ | کتاب‌ها.....            |
| ۱۵۴ | مقاله‌ها و جزوه‌ها..... |
| ۱۵۵ | ب) منابع انگلیسی.....   |
| ۱۵۷ | نمایه اصطلاحات.....     |

## پیشگفتار

از زمان تصویب اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸م، ناظر بر تأسیس یک دیوان بین‌المللی کیفری دائمی که به جنایات بین‌المللی رسیدگی کند، کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه حقوق بین‌المللی کیفری نگاشته شده‌اند. در ایران نیز در طول دو دهه اخیر کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای درخور توجهی به نگارش درآمده‌اند. اما انگیزه تدوین کتاب حاضر به دو مطلب باز می‌گردد؛ نخست، اینکه کتاب‌های موجود به‌ویژه کتاب‌های ترجمه شده، دارای حجم نسبتاً بسیاری بوده و برای تدریس در دو واحد درسی طبق سرفصل وزارت علوم، در مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته حقوق کیفری و بین‌الملل، مناسب به نظر نمی‌رسیدند؛ دوم، اینکه دیگر کتاب‌ها نیز عمدتاً به بخشی از حوزه حقوق بین‌المللی کیفری مثلاً بخش ماهوی یا شکلی آن به‌تنهایی پرداخته‌اند. در کتاب حاضر سعی گردیده هر دو موضوع مورد توجه قرار گیرد یعنی اولاً حجم کتاب برای ارائه در دو واحد درسی تنظیم گردیده و ثانیاً تلاش گردیده است مهم‌ترین مطالب مربوط به حوزه‌های حقوق ماهوی و شکلی بین‌المللی ارائه گردد. همچنین قسمتی از کتاب به جایگاه حقوق بین‌المللی کیفری در حقوق اسلامی اختصاص یافته است تا از این نظر نیز هرچند مختصر زمینه‌های ممنوعیت جنایات بین‌المللی در منابع حقوق اسلامی و احیاناً شبهه‌هایی که در این خصوص مطرح گردیده مورد بررسی قرار گیرد. امید است اثر پیش رو بتواند رسالتی را که در پی آن بوده برآورده سازد بدیهی است آشنایی کامل‌تر در این حوزه مستلزم مطالعه منابع بیشتر خواهد بود. در پایان بر خود لازم می‌دانم از کلیه کسانی که حقیر را در این زمینه تشویق نمودند بالأخص استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی آزمایش تشکر نمایم.

همچنین از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری که در ویرایش نهایی مطالب، حقیر را یاری رساندند؛ قدردانی نمایم. برای همگی ایشان آرزوی تندرستی و توفیق مسألت می‌نمایم.

جعفر یزدیان جعفری

بهار ۱۳۹۸

www.ketab.ir

## مقدمه

در این مقدمه نخست تعریف حقوق بین‌المللی کیفری، سپس منابع و ویژگی‌های آن و در پایان تاریخچه این شاخه از حقوق، بررسی و مطالعه می‌شوند.

### الف) تعریف حقوق بین‌المللی کیفری

حقوق بین‌الملل کیفری، شاخه‌ای از حقوق بین‌المللی و موضوع آن بررسی قواعد عمومی و اختصاصی جنایات بین‌المللی و جگه‌نگی رسیدگی به این جنایات در مراجع بین‌المللی است. گفتنی است در این تعریف منظور از «جنایات»، میران مجازات نیست، بلکه توجه به شدت و اهمیت این جرائم است؛<sup>۱</sup> به دلیل همین شدت و اهمیت است که این جرائم را به جرائم ذاتاً بین‌المللی در مقابل جرائم قراردادی بین‌المللی مجیر کرده‌اند. جرائم اخیر جرائمی هستند که در حقوق بین‌الملل (کنوانسیون‌های بین‌المللی) تنها به ممنوعیت آنها اشاره شده است، بی‌آنکه برای آنها ضمانت اجرای بین‌المللی پیش‌بینی شده باشد.<sup>۲</sup> حال آنکه درباره جرائم ذاتاً

۱. پلاوسکی، استانیسلاو، بررسی اصول اساسی حقوق بین‌المللی کیفری، ص ۹۸.

۲. کیفر این جرائم به حقوق داخلی کشورها واگذار شده است؛ از قبیل تروریسم، جرائم مواد مخدر، جرائم علیه محیط‌زیست، جرائم فساد اداری، جرائم مربوط به فساد اخلاقی، آثار فرهنگی و... که جنبه بین‌المللی داشته باشند (مهدوی، جزوه حقوق جزای بین‌الملل، ۱۳۷۸-۱۳۷۹).

برای اطلاع از فهرستی نسبتاً کامل از این جرائم ر.ک:

Wyngaert, christine van den, A Collection of International Criminal law Instruments, kluwer law international, hague, first published, 2001.

چنانچه جامعه بین‌المللی درباره شدت و اهمیت این جرائم نیز به توافق برسد، ممکن است مصداق‌های جدید جرائم ذاتاً بین‌المللی از میان این جرائم انتخاب شوند.

بین‌المللی، محکمه‌ای بین‌المللی، کار رسیدگی به این جنایات و تعیین مجازات برای مرتکبان آنها را براساس اسناد بین‌المللی عهده‌دار است. البته برخی جرائم فعلاً قراردادی قابلیت آن را دارند که در آینده با بازنگری اساسنامه دیوان به‌عنوان جنایات دارای ضمانت اجرای کیفری بین‌المللی محسوب شوند. مهم‌ترین آنها تروریسم بین‌المللی و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر است.<sup>۱</sup> از نظر برخی حقوق‌دانان برای اینکه یک جنایت، جنایت بین‌المللی شناخته شود باید ویژگی‌های ذیل را دارا باشد:

۱. وقوع تخلف از قواعد حقوق بین‌الملل؛
  ۲. پیش‌بینی این قواعد برای حفظ ارزش‌هایی باشد که از نظر کل جامعه بین‌المللی مهم‌اند و در نتیجه برای همه کشورها و انسان‌ها لازم الاجرا هستند؛
  ۳. منفعتی جهانی برای سرکوب این جرم‌ها وجود داشته باشد که در صلاحیت قضائی جهانی کشورها می‌تواند متجلی شود؛
  ۴. نداشتن مصونیت کاری در این جنایات برای مرتکبانی که مقام قانونی یا عملی دولتی دارند.<sup>۲</sup>
- همچنین باید میان حقوق بین‌الملل کیفری با تعریف یادشده و حقوق کیفری بین‌المللی تفاوت قائل شد. مورد اخیر شاخه‌ای از حقوق کیفری داخلی است؛ در اینجا بحث از جرائم ملی است، که تنها یک خصیصه و عنصر فراملی دارند. این عنصر می‌تواند محل وقوع جرم باشد، به‌نحوی که چند کشور را درگیر کند، یا تابعیت مرتکب یا مجنی‌علیه باشد، وقتی که متفاوت با ملیت محل وقوع جرم است، یا منافع حیاتی و اساسی یک کشور خاص به دلیل ماهیت جرم ارتكابی در خارج از قلمرو آن کشور باشد و نیز منافع چندین کشور در حالت اجرای بین‌المللی یک جرم باشد. در این شاخه از حقوق داخلی، درباره اصول و شیوه اعمال آنها بحث می‌شود، به‌نحوی که تعارض صلاحیت کشورهای ذی‌نفع را در این زمینه حل کند. این اصول به ترتیب پیش‌گفته، شامل اصل صلاحیت سرزمینی،<sup>۳</sup>

1. kittichaisaree, kriangsak, international criminal law, p.226.

۲. چیات لی، وین، «جرائم بین‌المللی و صلاحیت قضائی جهانی»، ترجمه پیمان نمایان و سهیل کیفری، حقوق بین‌الملل کیفری و فلسفه، ص ۷۴.

۳. معنای این اصل آن است که همه جرائم واقع شده در قلمرو یک حاکمیت تابع صلاحیت قانونی و قضائی آن حاکمیت است، مگر آنچه استثنا شده است (آزمایش، تقریرات درس حقوق کیفری بین‌المللی، دوره دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۸۱). براساس این اصل، تقدم در حل تعارض با کشوری است که جرم در قلمرو آن واقع

صلاحیت شخصی،<sup>۱</sup> صلاحیت واقعی<sup>۲</sup> و صلاحیت جهانی اند.<sup>۳</sup> تفاوت اساسی میان این دوشاخه حقوق، آن است که مقررات حقوق بین الملل کیفری از توافق های بین المللی میان دولت ها ناشی می شوند، در حالی که مقررات حقوق کیفری بین المللی، ناشی از صلاحیت

شده است؛ زیرا اولاً، نظم عمومی آن سرزمین برهم خورده است؛ پس قانون همان کشور نیز باید نظمش را اعاده کند؛ ثانیاً، اهداف دیگر حقوق کیفری مانند تسکین آلام زیان دیده و ارباب با اعمال قانون محل وقوع جرم قابل حصول است؛ ثالثاً، به لحاظ جمع آوری ادله جرم نیز رسیدگی در محل وقوع جرم آسان تر است.

بر اساس تعریفی که از صلاحیت سرزمینی ارائه شد، بررسی چند نکته لازم است.  
۱. بدین معنا که همه جرائمی که از سوی اتباع یک کشور یا علیه آنها در خارج از قلمرو آن ارتکاب یابد، با شرط هایی در صلاحیت تقنینی و قضائی کشور متبوعشان است.

۲. مطابق صلاحیت واقعی، همه جرائم علیه منافع اساسی و حیاتی یک کشور که در خارج از قلمرو آن کشور واقع شده است، در صلاحیت قانونی و قضائی آن کشور است. مقصود از جرائم علیه منافع حیاتی را معمولاً قانون گذاران روشن می سازند. برای نمونه، جرائم علیه امنیت یا برخی مصداق های جعل، مثل جعل اسکناس.

۳. مطابق اصل اخیر به جرائمی که به منافع یا ارزش های بین المللی لطمه وارد کنند، صرف نظر از محل وقوع، تابعیت مرتکب یا مجنی علیه یا منافع خاص یک کشور، همه کشورها صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. صلاحیت جهانی نقطه تلاقی حقوق کیفری بین المللی و حقوق بین الملل کیفری است؛ یعنی بخشی از جرائم موضوع این صلاحیت، صرفاً جرائمی هستند که اجزای بین المللی دارند. به همین دلیل منافع کشورهای ذی نفع اقتضا کرده است که طی قراردادی که میان خود منعقد ساخته اند، همه آنها صلاحیت خود را اعمال کنند؛ مانند دزدی دریایی، معاملات غیرقانونی و مواد مخدر. اینها جنایت بین المللی نیستند. اما بخش دیگر این صلاحیت مربوط به جرائم ذاتاً بین المللی است که موضوع آن ارزش های جهانی است که نظم عمومی بین المللی را برهم می زنند؛ پس طبیعی است که همه کشورهای جهان امکان اعمال صلاحیت بر آنها را داشته باشند؛ مانند ژنوسید یا جنایات علیه بشریت و ...

در باره شرط های اعمال این اصل می توان گفت: اولاً، لازم است یک قرارداد بین المللی درباره جرم مزبور وجود داشته باشد و کشوری که خواهان اعمال صلاحیت است، به آن قرارداد پیوسته یا عضو این صلاحیت را به موجب قانون خاص داخلی برای آن جرم پذیرفته باشد؛ ثانیاً، قبلاً به جرم مزبور از سوی کشور دیگری رسیدگی نشده باشد؛ اگرچه رسیدگی های صوری و تشریفاتی که به منظور رهانیدن از مجازات برخی از متهمان ذی نفوذ در کشور خود انجام می شوند، ولی این امر مانع از رسیدگی مجدد نخواهد بود؛ ثالثاً، درباره حضور متهم، برخی کشورها حضور متهم را لازم می دانند (صلاحیت جهانی مشروط)، ولی در مقابل برخی کشورها ضرورتی به حضور متهم نمی بینند. (صلاحیت جهانی مطلق)؛ رابعاً، ضرورتی نیست که عمل در محل وقوع جرم باشد. چون جرم علیه ارزش های جهانی است. پس اراده یک کشور نباید مانع از رسیدگی به آن از سوی کشورهای دیگر باشد. ماده ۹ ق.م.ا به موضوع صلاحیت جهانی اختصاص دارد. به موجب این ماده:

"مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود، در همان کشور محاکمه می شود، اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می گردد".

تقنینی هر دولت است؛ یعنی این خود دولت است که با اراده حاکم خود حدود صلاحیت کیفری خودش را در زمینه مسائل بین‌المللی تعیین می‌کند.<sup>۱</sup>

هدف از ایجاد چنین رشته‌ای برقراری و اعاده نظم عمومی بین‌المللی است؛ نظمی که در اثر جنایات بین‌المللی بر هم خورده است و منظور از نظم عمومی بین‌المللی، آرامش خاطری است که بر وجدان بشریت حاکم است. در کنار این هدف عمده دو هدف خاص نیز مطرح است: نخست محدود کردن قدرت و حاکمیت دولت‌ها در برابر حقوق بشردوستانه بدین معنا که با توسعه حقوق بین‌المللی کیفری دست دولت‌ها در نقض این مقررات بسته شود و دوم احیای کرامت انسانی که براساس آن، انسانیت انسان بالاتر از دیگر معیارها، اعم از نژاد، مذهب، جنسیت و... قرار گیرد و هیچ‌یک از معیارهای مزبور نباید ناقض آن باشد.

حاصل این دو هدف آن است که دولت‌ها نتوانند حتی با تصویب مقررات داخلی، حقوق انسانی را پایمال کنند و در صورت تصویب چنین قوانینی و تعارض آنها با حقوق بین‌المللی کیفری، قابل قبول نبوده و جنایت بین‌المللی محسوب شوند.<sup>۲</sup> البته نباید از نظر دور داشت که جمع میان عدالت و صلح در صحنه بین‌المللی کار ساده‌ای نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که همواره تعقیب کیفری به افزایش صلح و امنیت بین‌المللی بینجامد؛ پیگیری عدالت لزوماً به ترویج صلح نخواهد منجر شد بلکه در مواردی ممکن است تهدید به تعقیب منجر به افزایش خشونت و بر هم خوردن بیشتر صلح و امنیت بین‌المللی بینجامد.<sup>۳</sup>

۱. پلاوسکی، استانیسلاو، بررسی اصول اساسی حقوق بین‌المللی کیفری، ص ۸.

البته برخی حقوق‌دانان با این شیوه تفکیک موافق نبوده و معتقدند این دو عنوان با عرف اصطلاحات حقوقی موافق نیستند؛ زیرا اگر بنا بر محل صفت باشد، باید حقوق خصوصی بین‌المللی اصطلاحی جایز باشد؛ حال آنکه همه‌جا حقوق بین‌الملل خصوصی رایج است؛ بنابراین پیشنهاد می‌کنند به جای حقوق بین‌المللی کیفری، «حقوق جرائم بین‌المللی» و به جای حقوق جزای بین‌المللی، «حقوق کیفری فراملی» به کار رود. (ر.ک: حسینی‌نژاد، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۳۱).

۲. آزمایش، تقریرات درس حقوق بین‌الملل کیفری، نیمسال اول ۱۳۸۰-۱۳۸۱.

3. William A. Schabas and Nadia Bernaz, *Routledge Handbook of International Criminal Law*, p.454.

## ب) منابع حقوق بین‌المللی کیفری

از آنجا که این رشته، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است، از نظر منبع همان منابعی که برای حقوق بین‌الملل مطرح می‌شوند در اینجا نیز مطرح‌اند:

۱. قراردادهای بین‌المللی، یعنی قراردادهایی که از سوی دولت‌ها به تصویب رسیده‌اند. درباره حقوق بین‌الملل کیفری، مهم‌ترین سند بین‌المللی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی لاهه است که در سال ۱۹۹۸م در رم ایتالیا به تصویب ۱۲۰ کشور رسید. در این قرارداد پیش‌بینی شد که هر زمان شصت کشور آن را به تصویب مراجع داخلی‌شان رساندند، پس از انقضای شصت‌مین روز بعد از آن، لازم‌الاجرا شود. در سال ۲۰۰۲م، این مهم روی داد و از آن زمان لازم‌الاجرا شد. بدین معنا که جهان یک دادگاه بین‌المللی دائمی پیدا کرد تا به جنایات بین‌المللی که مطابق اساسنامه شامل چهار جنایت نسل‌کشی؛ جنایت جنگی؛ جنایت علیه بشریت و تجاوز ارضی می‌شود، رسیدگی کند.<sup>۱</sup> این قرارداد در سال ۲۰۱۰م، در کامپالا، پایتخت اوگاندا اصلاح شد و مصداق‌های جدیدی از جنایات بدان اضافه شدند؛<sup>۲</sup>

۲. عرف بین‌المللی، یعنی روه غالب دولت‌ها در برخورد با امر واحد، به شرط اینکه دوام داشته و دارای جنبه الزام درونی باشد. رابطه قرارداد و عرف با یکدیگر مختلف است؛ گاه یک قرارداد میان چند کشور وجود دارد، سپس کشورهای دیگر نیز به آن می‌پیوندند و تبدیل به عرف می‌شود، یعنی ریشه، قرار داد بوده و سپس تبدیل به عرف بین‌المللی شده است. ولی گاه عرف

۱. ماده یک اساسنامه دیوان در این خصوص مقرر می‌دارد: بدین وسیله دیوان کیفری بین‌المللی (دیوان) تأسیس می‌شود. این دیوان نهادی دائمی خواهد بود و قدرت اعمال صلاحیت نسبت به اشخاص مرتکب مهم‌ترین جرائمی که مایه نگرانی جامعه بین‌المللی است، به شرح مذکور در این اساسنامه را خواهد داشت. دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری محاکم ملی است. بر صلاحیت و وظایف دیوان، مقررات این اساسنامه حاکم خواهد شد.

۲. این اساسنامه یک مقدمه و دیاچه دارد و متشکل از سیزده فصل و ۱۲۸ ماده است و مباحث مختلف شکلی و ماهوی را در خود جای داده است. اساسنامه دارای دو سند مکمل است که در ماده ۵۱ و ۵۹ اساسنامه بدانها اشاره شده است. این اسناد شامل آیین‌نامه عناصر جرائم راجع به توضیح ارکان اختصاصی جرائم و آیین‌نامه ادله و دادرسی راجع به توضیح شیوه رسیدگی در دیوان هستند.

از نظر چینش برخلاف حقوق داخلی که نخست حقوق جزای عمومی و سپس حقوق جزای اختصاصی داریم، در اساسنامه دیوان، نخست جزای اختصاصی آورده شده است، سپس جزای عمومی که دلائلی از جمله نوپا بودن را برای این نحوه چینش مطرح می‌کنند، اما شاید دلیل دیگر آن بیان اهمیت نمادین جزای اختصاصی در این رشته باشد.

بین‌المللی شکل گرفته، سپس آن عرف را در قرارداد بازتاب می‌دهند. نتیجه اینکه اگر ریشه قرارداد عرف باشد، کشورهایی که عضو قرارداد نیستند، نمی‌توانند به علت عضو نبودن، اقدام به نقض قرارداد کنند؛ اما اگر ریشه، قراردادی باشد که هنوز عرفی نشده است، تنها برای کشورهای عضو الزام‌آور است؛<sup>۱</sup>

۳. رویه قضائی، منظور آرای مراجع قضائی بین‌المللی، به‌ویژه دیوان‌های کیفری بین‌المللی است. شامل آرای دادگاه نورنبرگ و توکیو (دادگاه‌های نسل اول)، دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا (دادگاه‌های نسل دوم)، دادگاه‌های مختلط، مانند سیرالئون یا کامبوج (دادگاه‌های نسل سوم)، دیوان کیفری بین‌المللی لاهه و نیز دادگاه‌های ملی در مواردی که به جنایات بین‌المللی رسیدگی کرده‌اند؛

۴. دکتربین، یعنی نظریه علمای حقوق که هم در ایجاد و هم در تفسیر مقررات بین‌المللی و رویه قضائی نقش دارد. در این خصوص حقوق‌دانان کیفری یا بین‌المللی بیشترین نقش را خواهند داشت. اگر چه مرکدام از زاویه دید تخصص خود تأملات بعضاً متفاوتی به موضوع دارند. در این زمینه هنگام بحث از ویژگی‌های این رشته بیشتر بحث خواهد شد.

### ج) ویژگی‌های حقوق بین‌المللی کیفری<sup>۲</sup>

مهم‌ترین ویژگی‌های حقوق بین‌الملل کیفری عبارت است از:

۱. جوان و نوپا بودن: این شاخه از حقوق بین‌الملل که نهایتاً از آغاز قرن نوزدهم میلادی شکل گرفته، شاهد جوان بودن این شاخه، استناد بسیار دادگاه‌های بین‌المللی به قواعد عرفی و اصول غیرمدون است. در قسمت بعد این تاریخچه کوتاه به اجمال بررسی خواهد شد. این شاخه از حقوق بین‌الملل در همین مدت‌زمان کوتاه سه نسل از محاکم بین‌المللی را گذرانده تا به وضعیت کنونی که ایجاد یک محکمه کیفری دائمی است رسیده است. این رشد همچنان ادامه دارد و در آینده باید منتظر افزایش مصداق‌های مجرمانه بین‌المللی در اساسنامه دیوان بود.
۲. ترکیبی بودن: این شاخه از حقوق از حقوق کیفری، حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، ترکیب یافته است. همین خصیصه سبب پیچیده شدن حقوق بین‌الملل کیفری شده است؛ زیرا

۱. آزمایش، تقریرات درس حقوق بین‌الملل کیفری، نیمسال اول، ۱۳۸۰-۱۳۸۱.

۲. این ویژگی‌ها عمدتاً از منبع ذیل اخذ شده‌اند: کاسسه، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۱۹.

اقتضاهاى هر شاخه با شاخه ديگر متفاوت اند و اين امر گاه سبب تعارض آنها مى شود. براى مثال، در حقوق بين الملل، هدف اصلى ايجاد روابط مسالمت آميز ميان کشورها از طريق هنجارسازى است؛ يعنى حقوق بين الملل مى خواهد منافع متعارض دولت ها را به هم نزديک سازد، حقوق بين الملل مى خواهد کشورها قراردادهاى بين المللى منعقد سازند و هنجارى مبرچند مبهم شکل گيرد. حال آنکه اين طرز تفکر در حقوق کيفرى ممنوع است؛ زيرا اصل قانونى بودن، اجازه چنين چيزى را نمى دهد و اگر قرار باشد مباحث کيفرى، موضوع قرارداد باشند، بايد دقيقاً ارکان جرم و ميزان مجازات مشخص باشد. حقوق کيفرى هدفش حفظ حقوق و آزادى هاى فردى در کنار حفظ نظم عمومى از طريق مکافات دادن، بازدارندگى و اصلاح است که در همه اين موارد بايد جرم و مجازات آن دقيقاً مشخص باشد. از اين رو، جمع حقوق کيفرى و حقوق بين الملل که داراى اقتضاهاى متفاوت اند، در یک شاخه، امرى دشوار است. به همين دليل است که در اساسنامه ديوان کيفرى بين المللى تعبيرهاى مبهمى مى بينيم؛ زيرا هدف آغازين اين بوده است که کشورها اساسنامه را امضا کنند. براى نمونه، اساسنامه، مجازات دقيقى براى هر جرم تعيين نکرده، تنها بيان داشته است که مجازات، اين موارد (حبس، جزاى نقدى و...) مى توانند باشند. اين پيچيدگى و تعارض چگونه حل مى شود؟ پاسخ اين است که رويه قضائى، يعنى دادگاه هاى بين المللى هنگام رسيدگى اين مشکل را حل مى کنند، تا به مرور ابهام ها از اين طريق برطرف شوند.

۳. تحول سريع: اين تحول به علت افزايش روزافزون جنايات هاى بين المللى است. در رابطه با افزايش جنايات، دو ديدگاه قابل طرح اند؛ عده اى با ديد منفى به موضوع نگرسته و از اين امر نتيجه مى گيرند که بشر روز به روز از حيث کرامت انساني در حال انحطاط بيشتر است. در مقابل، برخى معتقدند بشر رو به کمال است و افزايش جنايات بدین معنا نيست که بيشتر جرمى نبوده و امروز جرم و جنايت فراوان شده است، بلکه به اين معناست که بيشتر بوده، ولى رسيدگى نمى شده؛ اما اکنون رسيدگى مى شود. اين خود نوعى تعالى است که محکمه بين المللى وجود دارد و به جنايات بين المللى رسيدگى مى کند. به ديگر سخن، در گذشته حاکميت دولت ها اجازه رسيدگى به جنايات را نمى داد، اما اکنون یک محکمه بين المللى فراحاکميت به اين مسائل رسيدگى مى کند. نوع بشر از نظر تاريخى در راستاى معنويت سير تکاملی و صعودی داشته است، نه سير نزولی و انحطاطی؛ براى اثبات اين مدعا گذشته از

برهان‌های فلسفی مانند برهان غایت، معتقدات دینی نیز مؤید همین مطلب‌اند. هدایت بشر از سوی خداوند اقتضای چنین تکاملی دارد. اگر چنین بیندیشیم که بشر امروز سفاک‌تر و منحط‌تر از دیروز است، لازمه آن این است که خداوند در هدایت و تربیت بشر موفق نبوده است. مدعی مخالف، کشتار دسته‌جمعی با سلاح‌های پیشرفته امروز را مطرح می‌سازد و با کشتارهای سابق مقایسه می‌کند، ولی از این پرسش غافل است که آیا چنگیز که با داشتن یک شمشیر ساده آن‌همه انسان را کشت، اگر سلاح‌های امروزی را در اختیار داشت، روزانه چقدر آدم می‌کشت؟ از این رو، پیشرفت بشر در به دست آوردن فناوری سلاح‌های گوناگون را نباید به حساب آدم‌کش‌تر شدن بشر گذاشت. انسان روز به روز متکامل‌تر خواهد شد و به دست خویش پدیده تلخ جنگ را از میان خواهد برد<sup>۱</sup> به عقیده کارل پوپر، در هیچ زمان دیگر بیش از زمان حاضر به انسان احترام نمی‌گذارند و حقوق و شرافت انسانی پیش از این هرگز بدین اندازه محترم نبوده است و مردمان هرگز بدین اندازه آماده فداکاری برای دیگران، به‌ویژه برای انسان‌های بدبخت‌تر از خود نبوده‌اند؛ اگرچه هنوز هم قدرت، مایه فساد و تباهی است و شرارت‌هایی چون فقر، بیماری، بی‌رحمی، بردگی، تبعیض و جنک وجود دارند.<sup>۲</sup>

در زمینه حقوق کیفری بین‌المللی، شاید مهم‌ترین عوامل کاهش این جنایت‌ها در دهه‌های اخیر، مرهون عوامل سیاسی‌ای چون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن بلوک‌بندی شرق و غرب و متعاقب آن دشوارتر شدن موقعیت سیاسی ارتکاب جنایت‌ها علیه موازین بین‌المللی، جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ از گذر اسناد بین‌المللی کیفری که به دنبال کرامت و انسان‌مند کردن روابط سیاسی و اقتصادی کشورها باشد و نیز ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و ملی باشد که دولت‌های مردم‌سالار و جامعه دانشگاهی را به چاره‌اندیشی برای مقابله با بی‌کیفری جنایت‌های بین‌المللی واداشته‌اند.<sup>۳</sup>

۴. جرم بودن اعمال مخاطره‌آمیز برای دیگران (جرائم مانع): جرائم مانع در جنایت‌های بین‌المللی فراوان دیده می‌شوند و این طبیعی است؛ زیرا جنایات بین‌المللی نتایج شدیدی دارند

۱. محقق داماد، «تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۲. پوپر، کارل، حدس‌ها و ابطال‌ها، ص ۷۴۲-۷۴۴.

۳. نجفی ابرندآبادی، دیباچه جرم‌شناسی فراملی (ترجمه مجموعه مقالات)، ص ۱۴-۱۸.

و بیش از آنکه به دنبال مکافات دادن مرتکبان آنها باشیم، باید به جنبه بازدارندگی آنها توجه کنیم؛ ازاین‌رو، در اساسنامه، یک مرحله عقب‌تر از وقوع جرم را نیز جرم انگاری می‌کنند. برای مثال، در جنایت نسل‌کشی، صرف انتقال کودکان از یک گروه به گروه دیگر، نسل‌کشی است؛ هرچند نسل‌کشی به معنای از میان بردن فیزیکی اتفاق نیفتاده باشد. بدین‌سان، رفتار، گفتار و تصمیم به انجام اقدامات تدارکاتی بالقوه خطرناک و جرم‌زا که می‌توانند مقدمه یک جنایت دیگر باشند در اساسنامه دیوان مورد توجه قرار گرفته است. هدف از جرائم مانع که به تعبیر استاد ژرژ لواسور، بنا و سازه پیشرفته و جلوآمده حقوق کیفری است، پیشگیری و ممانعت از جرائم اصلی خطرناک و شدید است. در این معنا، حتی جرم انگاری جنایت تجاوز، به‌منظور پیشگیری از جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی است.<sup>۱</sup>

۵. فقدان ضمانت اجرای منسجم: حاکمیت دولت‌ها همواره مانع اعمال ضمانت اجراهای مقتضی بر جنایات بین‌المللی شده است؛ بدین لحاظ، حتی برخی کاربرد واژه حقوق بین‌الملل را از این حیث صحیح نمی‌دانند. حتی فصل هفتم منشور سازمان ملل نیز چیزی شبیه مجازات‌های داخلی را پیش‌بینی کرده است؛ زیرا مقررات اجرای احکام آن به احتمال با حق و توازن‌مینیگر شود و حتی شاید بتوان گفت ضرورتی بر اعمال این ضمانت اجراها در حقوق بین‌الملل، مانند حقوق داخلی، وجود ندارد. در تعرض افراد به یکدیگر، در جرائمی چون قتل و دزدی، با مجازات می‌توان شاهد کاهش خشونت بود، اما هیچ تضمینی وجود ندارد که کاربرد زور در حقوق بین‌الملل محدود به متجاوز و قربانی تجاوز شود و تهدید به زور ممکن است چیزی بر بازدارنده‌های طبیعی نیفزاید. برعکس، شروع به جنگ حتی از سوی قوی‌ترین دولت‌ها با خطر بزرگ حوادثی رو به روست که به ندرت می‌توان آنها را با اطمینان پیش‌بینی کرد.<sup>۲</sup> برای مثال، ممکن است استفاده از زور علیه دولتی به دلیل جلیات بین‌المللی آن دولت، به اعمال خشونت بیشتر علیه شهروندانش منجر شود.

## د) تاریخچه حقوق بین‌المللی کیفری

به دلیل نوپا بودن حقوق بین‌المللی کیفری، تاریخچه این حقوق چندان طولانی نیست. به‌طور

۱. همان، ص ۲۱-۲۲.

۲. هارت، هربرت، مفهوم قانون، ص ۳۲۳-۳۲۹.

خلاصه<sup>۱</sup> می‌توان مهم‌ترین تحولات تاریخی این رشته را از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به ترتیب ذیل چنین بیان کرد:

۱. مقررات لاهه سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷م، ناظر بر قواعد حاکم بر جنگ است با این هدف که با اصول انسانی هماهنگ شوند. در این مرحله خود جنگ ممنوع نیست؛ اما برای شیوه جنگیدن قواعدی در نظر گرفته می‌شود. (مانند اینکه کشورها با هر سلاحی و به هر شیوه‌ای نباید جنگ کنند)؛
۲. عهدنامه ورسای سال ۱۹۱۹م (بعد از جنگ جهانی (اروپایی) اول). موضوع این عهدنامه محاکمه قیصر (امپراتور آلمان) به‌عنوان جنایتکار بین‌المللی و آغازگر جنگ جهانی (اروپایی) اول بوده است. البته قیصر به هلند پناهنده شد و چون مسترد نشد، هیچ‌گاه محاکمه نشد؛
۳. منشور پاریس سال ۱۹۲۸م (قرارداد بریان کلوگ). نماینده فرانسه و آمریکا، قرارداد تحریم جنگ را امضا کردند، در اینجا نفّس جنگیدن برای نخستین بار تحریم شد و چون کشورهای دیگر هم به آن پیوستند، به قرارداد بین‌المللی تبدیل شد؛
۴. امضای عهدنامه‌های مختلف در فاصله جنگ جهانی (اروپایی) اول و دوم؛ مانند کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم در سال ۱۹۳۷م. در این کنوانسیون ایجاد دادگاه بین‌المللی پیش‌بینی شد، اما وقایع قبل از جنگ جهانی (اروپایی) دوم مانع اعتبار آن شد؛
۵. پس از جنگ جهانی (اروپایی) دوم شاهد اجرای واقعی حقوق بین‌الملل کیفری هستیم؛ زیرا تا قبل از آن صرف مقررات وجود داشت، اما هیچ‌کس به واسطه مقررات محاکمه و مجازات نشده بود. در سال ۱۹۴۳م، یعنی اواخر جنگ جهانی (اروپایی) دوم، اعلامیه لندن و مسکو از سوی متفقین صادر شد و در آن وعده داده شد که سران دولت‌های محور محاکمه شوند؛
۶. در سال ۱۹۴۵م، منشور لندن صادر شد، اساساً دادگاه نورنبرگ اینجا پیش‌بینی شد. براساس این منشور، دادگاه نورنبرگ در سال ۱۹۴۶م تشکیل شد. ۲۲ نفر از جنایتکاران آلمان نازی به اعدام یا حبس محکوم شدند؛
۷. قطعنامه مجمع عمومی در تصویب اساسنامه و حکم دادگاه نورنبرگ به‌عنوان اصول حقوق بین‌الملل؛
۸. تشکیل دادگاه توکیو در سال ۱۹۴۶م، که به اعلامیه ژنرال مک آرتور معروف شد و برای محاکمه دیگر سران دولت‌های محور در خاور دور (ژاپن) بود.

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: حسینی‌نژاد، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۱۵۵ به بعد.

به دادگاه نورنبرگ و توکیو دادگاه‌های نسل اول هم می‌گویند که در آن غالبین، مغلوبین را محاکمه می‌کردند و این ایرادی بود که مغلوبین به دادگاه وارد می‌ساختند؛

۹. در سال ۱۹۴۶م، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در رابطه با جنایت‌های جنگی به تصویب جامعه بین‌المللی رسید، البته برای جنایات جنگی مقررات لاهه را قبل از این، در سال‌های ۱۹۰۷ و ۱۸۹۹م، داشتیم؛ از این رو، مقررات و کنوانسیون‌های بعدی با الهام از مقررات سابق، کنوانسیون ژنو را تشکیل دادند؛

۱۰. در سال ۱۹۴۸م، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل مأموریتی یافت تا مجموعه جنایات بین‌المللی را با استفاده از مقررات سابق تدوین کند؛ زیرا دادگاه نورنبرگ و توکیو موقتی بودند و قرار بر این بود که دادگاه بین‌المللی دائمی تشکیل شود؛ که در سال ۱۹۹۸م، به ثمر رسید؛ بنابراین می‌توان گفت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که سال ۱۹۹۸م، شکل گرفت، مقدمه‌اش سال ۱۹۲۸م، بود؛ و نیم قرن طول کشید تا اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به نتیجه برسد. علت تأخیر در تصویب آن، جنگ سرد بود؛ زیرا پس از جنگ جهانی (اروپایی) دوم، دنیا به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود و مخالفت‌های شوروی سابق و آمریکا، اجازه به اجماع رسیدن در شورای امنیت را نمی‌دادند.

اما در دهه ۱۹۹۰م، جنگ سرد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پایان یافت و در این زمان امکان اجماع پدید آمد، از این رو، پس از آن دو دادگاه اختصاصی موقتی برای یوگسلاوی در لاهه به سال ۱۹۹۳م و برای رواندا در آروشا (پایتخت بوزنیا) در سال ۱۹۹۴م، تشکیل شدند و متعاقب آن کمیسیون توانست اساسنامه را تحویل دهد. هر دو دادگاه موقتی (Adhoc) بودند و به آنها دادگاه نسل دوم می‌گویند. دادگاه‌های نسل دوم، ایراد دادگاه‌های نسل اول را نداشتند (محاکمه مغلوبان توسط غالبان)، زیرا دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا از سوی شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور شکل گرفتند؛ با این توضیح که شورای امنیت مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و یکی از راه‌های انجام این وظیفه، ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران بین‌المللی است؛

۱۱. دادگاه‌های نسل سوم: پیش از آنکه دیوان کیفری دائمی بین‌المللی شکل گیرد، دادگاه‌های نسل سوم شکل می‌گیرند؛ از قبیل دادگاه کامبوج و سیرالئون. این دادگاه‌ها هم موقتی بودند، اما تفاوتشان با دادگاه نسل اول و دوم آن است که ترکیبی از اراده سازمان ملل

(شورای امنیت) و کشور ذی‌نفع هستند، به همین دلیل به آنها دادگاه‌های نسل سوم گفته می‌شود. دادگاه‌های نسل سوم در حال حاضر نیز با بودن دیوان بین‌المللی کیفری می‌توانند تشکیل شوند؛ زیرا اساسنامه دیوان پیش‌بینی می‌کند که اگر شورای امنیت تصمیم بگیرد، باز هم می‌تواند دادگاه موقتی تشکیل دهد. به این دلیل که حوزه صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری محدود به چهار جنایت مطرح شده است، حال اگر برای دیگر جنایات‌ها، شورای امنیت تصمیم به تشکیل دادگاه موقت جدیدی گرفت، اساسنامه منعی برقرار نساخته است و حتی پیش‌بینی شده که از خود دیوان بین‌المللی کیفری هم می‌تواند به‌عنوان دادگاه موقت (Adhoc) استفاده کند؛<sup>۱</sup>

۱۲. سرانجام اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی سال ۱۹۹۸م در رم ایتالیا شکل گرفت و مطابق آنچه در خود اساسنامه پیش‌بینی شده بود، با تصویب مراجع داخلی شصت کشور امضاکننده در سال ۲۰۰۲م، لازم‌الاجرا شد. هشت سال بعد یعنی سال ۲۰۱۰م اساسنامه دیوان نیز در کابل‌الاصلاح شد.<sup>۲</sup> اصلاحیه، مربوط به ماده ۸ مکرر برای تعریف تجاوز و ماده ۱۵ مکرر ۱ و ۲ برای شیوه رسیدگی و ارجاع این جنایت به دیوان است و همچنین در این اصلاحیه مصداق‌های جدیدی در زمینه جنایات جنگی به صلاحیت دیوان اضافه شدند.

گفتنی است که در این میان قوانین داخلی برخی کشورها مانند آمریکا، فرانسه و بلژیک نیز در شکل‌گیری اساسنامه دیوان نقش داشتند، برای مثال، قانون ۱۹۹۴م، فرانسه در آغاز فصل مربوط به جرائم علیه اشخاص، جنایت علیه بشریت را پیش‌بینی می‌کند.

در ادامه به سنت معمول در حقوق کیفری، نخست حقوق بین‌المللی کیفری عمومی (قواعد عمومی ناظر بر جنایات‌های چهارگانه)، سپس حقوق بین‌المللی کیفری اختصاصی و سرانجام آیین رسیدگی به جنایت‌ها را از منظر اساسنامه دیوان و اسناد مکمل آن بررسی خواهیم کرد.

۱. ماده ۲۲ اساسنامه دیوان در قسمت اخیر خود در این خصوص مقرر می‌دارد: مقررات این ماده مانع از این نیست که عملی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و مستقل از این اساسنامه جرم تلقی شود؛ زیرا مطابق ماده ۱۰ آن: هیچ‌یک از مواد این بخش از اساسنامه به‌هیچ‌وجه نباید به نحوی تفسیر شود که قاعده موجود یا در حال تشکیل حقوق بین‌الملل را که برای مقاصد دیگری غیر از این اساسنامه مورد نظر است، منسوخ کند یا به آن لطمه بزند. بر همین اساس، طبق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه یکی از موارد اعمال صلاحیت دیوان آن است که: شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به‌موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید.

۲. این در حالی است که اساسنامه در ماده ۱۲۱، اصلاح آن را پس از گذشت هفت سال پیش‌بینی کرده است.